



۲۰۱۹/۱۱/۰۳



محمد کریم دقیق

## صلح می خواهیم یا ختم جنگ؟



یادداشت: این مطلب برای بار اول به تاریخ ۲۰۱۲/۰۱/۱۷ نشر شده است. از هیئت محترم نشراتی "آریانا افغانستان آنلاین" تمنا می داریم تا نشر آنرا، که بدون تغییر مفاهیم متن قبلی تقدیم است، ممکن سازند. فقط در برخی موارد سکتگی ممکن جملات رفع شده است.

« بحران قریب چهل سال در کشور ما افغانستان، شیرازه زندگی اجتماعی را در هم کوبیده است. دشمن صلح اجتماعی، ریشه عمیق خود را در تفاوت ها، در مواضع قدرت می بیند. در تحت تأثیر انکشافات و مناسبات کثیرالجانب بین المللی درین کشور نیز در مراحل مختلف، تلاش های حلقات سیاسی دیده شده است، که پرابلم های سیاسی، اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و غیره را با طرز دید های مختلف مطرح نمایند و خواستار راه حل آن گردند. چنین حالت عدم جنگ را هم نمی توان به معنی اصلی کلمه صلح کامل دانست. زیرا صلح اجتماعی در یک کشور همبستگی میان تمام حلقات اجتماعی را در قلمرو یک دولت می طلبد و همین هویت رسمی آنها در عرصه بین المللی، مناسبات یک کشور را امکان می بخشد، تا برای بهبود حیات مردم خود در تقسیم کار بین المللی سهم فعال گرفته بتواند. امنیت مردم کشور خود را زمانی می توانند حفظ نمایند، که از یکطرف مردم آن از یک موقف و هویت واحد، که متکی بر ارزشها و قیمت های معینی مورد قبول برای همه باشد، حمایت کنند. حلقات فعال جامعه به اهمیت اصلی اعتماد بین هم، با وجود اختلاف نظر سیاسی به خوبی پی ببرند و برای حفظ متداوم این ارزش های ملی و وطنی، «ارگان های» سرسپرده دولتی و اجتماعی را داشته باشند.

با تأسف که این ملت و جامعه آن به میدان بغرنج مسابقات و بازی های دست های مرموز و علنی قدرت های بی شمار قرار گرفته، راه صلح و آرامش از آن ربوده شده است. بحران چهل سال انواع مختلف جنگ ها را درین کشور باعث شد. راجع به درد ها و آلام و تلفات جانی و مالی به صورت بیشتر از حد کافی سخن گفته ایم. ازین اختلافات کشور های خارجی، از همسایگان گرفته تا قدرت های بزرگ خارجی دور و نزدیک، هر یک متناسب به امکانات و

نیازمندی و عطش کسب نفوذ، کار گرفته اند. چه بسی شکایات از مداخلات کشور های خارجی را می شنویم که هموطنان ما بزبان می آورند ولی راهی را تا اکنون نیافته اند، که از خود بپرسند که چگونه مجرا های نفوذ احتمالی خارجی را می توان مسدود ساخت.

در اوج اخبار تازه، «مذاکرات با طالبان» و «مفتوح» دفتر آنها «در قطر»، بار دیگر دیگ های بی شمار شایعات و فرضیه ها، «شکست» این و آن در منازعات بیش از ۱۰ سال اخیر جوش می خورد، افسانه های هم به نشر می رسد. ضرب المثل یا تکیه کلام معروف که می گویند «ناظر بازی عقل چهل وزیر را داراست». سود مادی شایعات و فرضیه سازی های مغشوش کننده به حسابات کسانی وارد می گردد که دارای پیوند های مرموز با دستگاه هایی اند که از پخش همچو مفاهیم سود می برند. مردم ما از اصل حقایق به علتی دور مانده اند و در آتش جنگ می سوزند، که مانند جوامع دیگر وسایل خبری فرزندان اصیل خود را در دست ندارند. عده از نویسندگانی هم اگر مطالبی را تهیه می نمایند، محصولی از کار «ژورنالیستیکی» خارجی ها بوده، اکثراً به عمق اهداف خبری منابع آنها یا نمی فهمند و یا توجه نمی کنند.

بتاریخ ۲۰۱۲/۰۲/۱۶ اظهار جالبی از جانب سفیر بر حال فرانسه در افغانستان، «برنار بژوله» منتشر گردیده است، که در ذیل نقل می گردد:

**« می خواهم بگویم که افغانستان در زمینه مسایل امنیتی نباید بیشتر بالای همسایه های خود حساب بکند. افغانستان با همسایگان و کشور های همجوارش گفتگو های را انجام دهد، اما صرف افغانها می توانند، که برای مشکلات موجود در کشور شان، راه حل را دریافت کنند. هدف همسایه های افغانستان ایجاد تفرقه میان افغان ها است. اما اگر افغان ها یک مشت واحد باشند، این کشور به این هدف شان نایل نمی شوند. به همین خاطر است که ما از تلاش های حکومت افغانستان در راستای مذاکره با مخالفین مسلح حمایت می کنیم.»**

این اظهارات از جانب یک «دیپلمات» کشوری که بحیث عضو مهم «اتحادیه» اروپا، عضو مهم «ناتو»، عضو دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، سهیم در رویداد های افغانستان بوده، دارای سابقه دیرینه مناسبات با کشور ما افغانستان نیز می باشد، از دید اینجانب هم این اظهارات از وزنه قابل ملاحظه برخوردار بوده می تواند.

به همین سلسله اظهارات متعدد مشابه از جانب سایر مقامات «سیاسی - دیپلماتیک» کشور های غربی، مسئولین سازمان ملل متحد، بشمول سیاستمداران امریکائی بگوش می رسد. درینجا یک نتیجه گیری « کای آیده نماینده خاص اسبق ملل متحد برای افغانستان » قابل توجه، محسوب می گردد که « نگاشته است که در اوایل سالهای پس از رژیم طالبان منابع اقتصادی که توسط جامعه جهانی برای افغانستان فراهم گردید مطابق اولویت های خود کشورها تنظیم شده و به اساس شیوه های معمول، علایق سیاسی و حلقات داخلی اختصاص می یافت و همین دلایل باعث شد که به نیازمندی عاجل مردم افغانستان توجه نه شود. کای آیده در کتابی تحت نام «جنگ برای رسیدن به قدرت در افغانستان» که در مورد دوره ماموریتش از سال ۲۰۰۸م تا ۲۰۱۰م میلادی در افغانستان به چاپ رسیده، می نویسد: اداره انکشافی ایالات متحده امریکا (USAID) به عنوان بزرگترین کمک کننده، تقریباً نیمی از کمک های خود را از طریق پنج کمپنی بزرگ امریکایی در افغانستان به مصرف رسانده است. او می افزاید که ۴۰ درصد کمک های ملکی این کشور به افغانستان که بالغ بر شش میلیارد دالر می گردد اصلاً از کشور کمک کننده بیرون نشده است.

بیش از نصف دیگر این کمک‌ها برای خریداری کالا و خدمات در خود کشور کمک‌کننده به مصرف رسیده است. بنا بر این مساعدت بر بلند بردن ظرفیت‌ها و انکشاف اقتصادی افغانستان تأثیری نگذاشته است.»

وقتی همچنان از زبان سفیر اضلاع متحده آمریکا «کیمرون منتر» می‌خوانیم که گفته است: «پاکستان نه غواری، چی امریکایی سرتیری له افغانستانه ووخی». با مجموعه‌ای از ارزیابی‌های متعدد، و حقایق و «فکت»‌های بی‌حساب، حکم می‌کند که خود افغانها، اولاً بر حسب اشاره‌ی سفیر فرانسه، از خواب غفلت بیدار شوند و راه‌های تفاهم را، به خاطر بقای وطن‌شان، در پیش گیرند.

یکی از سمتگیری‌های قابل انتقاد در نوشته‌های بعضی از هموطنان ما را می‌توان در آن دید، که نویسندگان مشخص، ترشحات ذهنی خود را روی شایعات و فرضیه‌های خود ساخته، متمرکز می‌سازند، در بعضی موارد بر اشخاص، بشمول شخص اول تمرکز انتقاد را نشان می‌دهند، و یا از گروه‌های صاحب «امتیاز»، بخصوص در بیش از ۱۰ سال اخیر نام می‌برند. در حالی که همه صاحبان امتیاز در جمله «متحدین کنفرانس بن» شامل بوده و شخص اول نیز به مثابه فرد «انتصابی» همان قدرت‌هایی محسوب می‌گردد، که تدویر کنفرانس بن را ممکن ساخته اند. تبصره‌های اضافی و افسانه‌های فریبنده، مردم ما را از راه حل به بیراهه می‌کشاند. اکثریت چنین نویسندگان از حلقات «مهاجر» افغانی، زمانی بیشتر فعال معلوم می‌گردند، که در کشورهای مربوطه، یعنی جایی که ایشان سکونت دائمی داشته و یا احتمالاً از هویت تابعیت دو گانه نیز برخوردار اند، بدون شک نوشته‌های شانرا در مطابقت با «کمپاین»‌ها یا مسابقات انتخاباتی همان کشوری که خود در آن از حق «رأی» برخوردار اند و خود ممکن در قطار فعالین احزاب مربوطه شامل باشند، عیار می‌سازند.

بناء وقتی پراگندگی در داخل کشور (حدود بیش از صد حزب راجستر شده) را که هریک ممکن به سطوح مختلف اسلحه در اختیار داشته باشند و هر یک به قول «کای آیده» که گفته است، «جنگ برای رسیدن به قدرت در افغانستان»، رسیدن به قدرت را در کله پپروراندند، خدا می‌داند که بشریت قادر خواهد شد، تا همچو «فورمولی» را دریابند، که حفظ منافع همه گروه‌ها و کشورهای دخیل را بر آورده سازد.

وقتی سفیر فرانسه اظهار می‌دارد که «... به همین خاطر است که ما از تلاش‌های حکومت افغانستان در راستای مذاکره با مخالفین مسلح حمایت می‌کنیم»، امکان آن دیده می‌شود که در چوکات مقررات بین‌المللی، راه تخفیف و کنترل «مداخلات خارجی» گرفته شود. در عین زمان خود افغانها باید، به واقعینی تمایل بیشتر را بیاموزند، بخصوص آنهائیکه از پیوند‌های خارجی استفاده سوء نموده اند، از ادامه‌ی عوامفریبی دست بکشند. از جانب دیگر وقتی، مسئله بر سر حل منازعه بین یک قدرت حاکم و مخالفین مسلح مطرح می‌گردد، باید از توصیه‌ها و تجارب دانشمندان خاص در باره‌ی راه حل منازعه نیز استفاده به عمل آید. این یک امر روشن است وقتی در ترکیب «متحدین کنفرانس بن» در سال ۲۰۰۱م، درین مدت بیش از یک دهه، در حاکمیت «تصنعی»، «اپوزیسیون»‌های متعدد، از همان قماش‌ها ساخته شده است و جز تشدید بی‌نظمی و مغشوش ساختن حالت، چیزی مفید از خود بجا نگذاشته است، باید توجه داشت که وقتی از «مذاکره» برای حل معضله حرف در میان است، جوانب با صلاحیت باید هویت و اعتبار خود را روشن سازند.

بخشی از مشکل اساسی هم چنان در آن دیده می‌شود، که قدرت‌های نیم بند حاکم در کشور، همیشه وابسته بیک قدرت خارجی بوده، در مقابل قوتی را علیه خود دیده و یا می‌بینند که در عین زمان چه پوشیده و چه علنی، این قدرت به اصطلاح حاکم را

طرف مذاکره خود نمی دانند. همین حالت در زمان حضور قوای شوروی وقت وجود داشت و همان منطق امروز هم بکار می رود. پس چه شود؟

«طالب دیروز» که در نتیجه عملیات های سال ۲۰۰۱م از قدرت رانده شده است، ممکن با «طالب» امروز یکی نباشد عده از قوماندانان سابق آن در جنگ های ده سال گذشته کشته شده اند، یا مرده اند. عده هم که بعد از سپری نمودن زندان «گوانتمو» یا «بگرام» و غیره رها گردیده و از ایشان ممکن بحدی عضو رابط کار گیرند، معلوم نیست که نخست، از معلومات آنها چه مراجع و کدام قدرتها استفاده می کنند و خود آنها تا چه حد در روند حوادث نقش دارند و از کدام منابع تمویل می گردند. همین افراد تا چه حد از پیوند و اعتماد «جنگی ها» برخوردارند و کدام قدرت ها ست که این جنگی های فعلی را که غیر از گروپ های مربوط به «القاعده»، اقلأ به سه گروپ چون «طالب»، «حقانی» و «گلبدین حکمتیار» یاد شده اند و مشابه با «هیختاپوت» در همه جا فعال اند، تمویل، تسلیح و تجهیز می نمایند.

صرفنظر از آنکه «جنگ سالاران» در درون دولت هم خود را به حیث طرف، هم در برابر حاکمیت و هم در برابر «مخالفین» دولت می بینند، وقتی به محتوای مصاحبات بعضی از آنها، بشمول بقایای رهبری سابق «طالب» توجه نمائیم، بخوبی نا رضایتی های آنها از اداره کنونی به مشاهده می رسد، که تمام اتباع و جهانیان ازین اداره نا راض اند. هر یک ازین نا راض ها دلایل خود را دارند. کدام عقل می تواند بپذیرد که یک رهبر سابق «طالب» گذشته در یک منطقه مسکونی کابل، تحت کنترل این دستگاه دولتی، که از یکطرف بر دولت اعتراض دارد و گاهی هم شنیده می شود که گویا، دردیدارها با زمامداران عربستان سعودی در محافل «طالبان»، اشتراک می ورزند، که بدون شک ارگان های «امنیتی» افغانستان، حتماً از برنامه های سفر های «سری» آنها واقف اند. این چگونه، برنامه است. کدام «مصنوعیت» از آن متصور است؟

این رویداد ها در شرایطی صورت می گیرد که «رئیس» یا «وزیر امنیت» سابق این دولت، که خود از این «ارگان» استعفاء نموده است، و حال در صف مخالفین سرسخت صلح و یا مذاکره با جانب مقابل قرار دارد، آیا همین شخص و افراد او که در «پست های» مهم ارگان دولتی متزلزل کنونی افغانستان مقرر و بر سر اقتدار اند، نمی تواند، اگر بخواهد صدمه بزند؟ بناً آنچه در آینده افغانستان نقش عمده خواهد داشت، اینست که راه های معقول در هر دو ساحه، چه در ساحه خارجی و چه در ساحه داخلی جستجو گردد. رسیدن به صلح به هیچ جانب به مثابه شکست نخواهد بود، برخلاف برنده همه جوانب که در معرض تلفات جانی و مالی قرار دارند، شمرده خواهند شد. با ختم جنگ همه وظایف انجام نمی یابند، بلکه وظایف سخت سنگین تر از جنگ آغاز می یابند که اعمار دوباره واقعی کشور، تعلیم و تربیه عامه در آن شامل بوده می تواند که سخت محتاج آن هستیم و بالاخره، باید سازماندهی سیستم متمر اقتصادی، جتماعی، حقوقی و فرهنگی و غیره برای همه براه افتد. ( ۱۷/۰۱/۲۰۱۲ )

پایان

\*\*\*\* \* \* \* \* \*

صلح می خواهیم یا ختم جنگ ؟

[Daqiq\\_m\\_k\\_solh\\_mekhaheem\\_ya\\_khatm\\_jang.pdf](http://Daqiq_m_k_solh_mekhaheem_ya_khatm_jang.pdf)